رواق

ویژه فرهنگ و معارف رضوی

قدس

چهارشنبه ۵ خرداد ۱۴۰۰

۱۴ شوال ۱۴۴۲ | ۲۶ می ۲۰۲۱ | سال سی و چهارم | شماره ۹۵۳۷ | ویژه نامه ۶۵

www.qudsonline.ir

امام باقر(ع):
لبخند آدمی به روی برادر دینی اش، حسنه است.
بحار الأنوار، جلد ۷۴، صفحه ۲۸۸

یک قاشق غذای متبرک برای عزیز

۲

انتصاب معاون طرح و برنامه آستان قدس رضوی

۴

دیدگاه

بی‌توجهی به اثرگذاری بر مخاطب ضعف کتاب‌های دینی است

محمدکاظم شاکر، استاد دانشگاه علامه طباطبایی با قدردانی از متولیان کتاب «تفسیر معاصرانه قرآن» به برخی ایرادهای آن اشاره کرد و ...

.....صفحه ۳

دکتر سید احمد رهنمایی، دانش آموخته دکترای فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه مک گیل کانادا از نسبت تعلیم و تربیت و سیاست می گوید

انتقاد سازنده همان تربیت سیاسی است

۲ ۳

پیاده‌سازی سامانه‌های نوین آبیاری هوشمند توسط شرکت کشاورزی رضوی

گام بلند آستان قدس برای مدیریت منابع آبی

۴

تأثیر کلام حاج قاسم در شیعه شدن بانوی خبرنگار آمریکایی

۲

آن روزها

«مطلع‌الشمس»؛ خزانه اطلاعات تاریخی آستان قدس رضوی

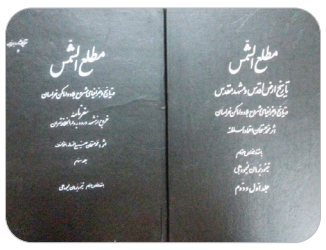

محمدرضا انصافی: تا پیش از میانه دوره قاجار، نگارش متون تاریخی و جغرافیایی در ایران شکل و شمایلی سنتی داشت، تحلیل کمتر در آن به چشم می‌خورد و به لحاظ شکل‌بندی، ساختار منظمی را دربر نمی‌گرفت. این کتاب‌ها عموماً با زبان سخت و پرتکلّف نوشته می‌شد؛ گویی مورخ یا جغرافیدان می‌خواست با این روش، سواد و دانش خود را به رخ دیگران بکشد! وضع در دوره افشاریه و زندیه به گونه‌ای بود که خواندن متون تاریخی این عصر مانند «جهانگشای نادری»، برای افراد باسواد ایرانی دوره ما تقریباً غیرممکن است! این وضعیت با ورود سبک تاریخ‌نگاری جدید به ایران در دوره ناصرالدین‌شاه تغییر کرد و محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه به عنوان تحصیلکرده رشته تاریخ و جغرافیا در دانشگاه پاریس، تحول عمده‌ای در نگارش این نوع از متون به وجود آورد. کتاب مطلع‌الشمس که توسط اعتمادالسلطنه و درباره جغرافیا و تاریخ خراسان، مشهد و آستان‌قدس رضوی در سال ۱۲۶۲ش. به رشته تحریر درآمد و با چاپ سنگی منتشر شد، یکی از نخستین آثاری است که در آن، با شکلی نوین و ساده، تاریخ و جغرافیای یک منطقه برای خواننده شرح داده شده است.

هرچند از تنظیمات مدرن تاریخ‌نگاری امروزی در آن کمتر استفاده شده، اما به لحاظ دارا بودن اطلاعات بسیار گسترده و متنوع در جغرافیا، تاریخ و فرهنگ و هنر آستان‌قدس، مشهد و خراسان از اهمیت بسیاری برخوردار است. مؤلف کوشیده است در تدوین مطلع‌الشمس از منابع دست اول و به ویژه در توصیف ابنیه حرم مطهر، از مشاهدات خود استفاده کند. بنابراین کتابش به خصوص در زمینه شناخت بناها، کتیبه‌ها، ذکر بزرگان مشهد و تاریخ دوره قاجار اهمیت بسیاری دارد. متن بسیاری از این کتیبه‌ها در کتاب وارد شده است.

تعداد زیادی از این کتیبه‌ها و اسناد، امروزه از بین رفته‌اند و کتاب مطلع‌الشمس یگانه مستندی است که درباره آن ها می توان به آن رجوع کرد. این مستندنگاری بر ارزش علمی و اطلاعات تاریخی کتاب در حوزه آستان‌قدس رضوی افزوده است؛ در واقع می‌توان آن را خزانه اطلاعات تاریخی آستان قدس رضوی دانست. کتاب مطلع‌الشمس نخستین بار در سال ۱۲۶۲ش. منتشر شد و جلد سوم آن، در سال ۱۲۶۵ش. انتشار یافت. سال‌ها بعد در سال ۱۳۱۵ش. دوباره این کتاب را تجدید چاپ کردند و بعدها در سال ۱۳۶۲ش. با حروفچینی جدید در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت. اطلاعات مربوط به تاریخ آستان قدس رضوی به طور مشروح در جلد دوم این کتاب موجود است. اعتمادالسلطنه به دلیل همراهی با ناصرالدین‌شاه در سفر به مشهد، تقریباً محدودیتی در مشاهده اسناد و اماکن نداشته و همه جا را از نظر گذرانده است.

درباره تاریخ بقعه پیرپالاندوز که امروزه در مجموعه اماکن متبرکه قرار دارد

همسایگی شاه خراسان به دو عالم ندهم

محمدحسین نیکبخت: پیش از آنکه حرم مطهر توسعه پیدا کند، بنایی بیرون از اماکن متبرکه در نزدیکی پایین‌خیابان و محور شرقی شهر مشهد وجود داشت. آرامگاه پیرپالاندوز برای مردم مشهد همیشه محترم بوده است، بی‌آنکه بدانند چرا و به چه دلیل؟ این احترام از نسلی به نسل دیگر منتقل شد و چون درباره شخص دفن شده در این بقعه قدیمی، اطلاعات دقیقی در دست نبود، داستان‌های مختلفی درباره‌اش بر سر زبان‌ها افتاد. خود من از آن افرادی هستم که داستان دیدار پیرپالاندوز با شیخ بهایی را از زبان بزرگ‌ترهای فامیل شنیده و از ماجرای نظر کیمیای پیرپالاندوز و تبدیل شدن سندان آهنی به طلا، حیرت کرده‌ام. می‌دانم خیلی از شما هم چنین روایت‌هایی را شنیده‌اید. امروزه مزار پیرپالاندوز در شمال شرقی صحن هدایت حرم رضوی قرار دارد و آن را به صورت اساسی بازسازی کرده‌اند و از بیرون هم به آن راه است؛ یعنی باید از سمت ورودی پایین‌خیابان (نواب صفوی) به سوی حرم بیایید سپس اندکی به سمت راست بروید تا به در ورودی بقعه برسید.

نزدیکی آرامگاه پیرپالاندوز به حرم رضوی و همسایگی‌اش با بارگاه منور امام رضا(ع)، موجب شد از قدیم‌الایام این مکان مورد توجه زائران حضرت ثامن‌الحجج(ع) نیز قرار بگیرد. به همین دلیل در صفحه امروز رواق می‌خواهم از تاریخ این بنا و فرد مدفون در آن که امروزه بخشی از اماکن متبرکه است برایتان بگویم، امیدوارم مرا همراهی کنید.

یک بحث تخصصی و تاریخی

پیش از آنکه بخواهیم درباره فرد مدفون در بقعه پیرپالاندوز نظری بدهیم، ابتدا باید تاریخچه بنا را بررسی کنیم. بنای پیرپالاندوز مربوط به دوره صفویه یا دست‌کم در این دوره بازسازی شده است. براساس اطلاعات مندرج در کتاب «گزارش مکتب شاپور» که در سال ۱۳۱۳ش. به همت زنده‌یاد محمدتقی مدرس رضوی به رشته تحریر درآمد و در متن کتاب، اماکن آن زمان مشهد به صورت مختصر شرح و توضیح داده شده است، در حدود ۹۰ سال پیش، مقبره پیرپالاندوز وضعیت خوبی نداشته است؛ بیشتر کاشی‌های گنبد دو پوسته‌ای آن ریخته بود و با وجود ترمیم داخل بنا، شرایط آن تعریفی نداشت. بر سردر بنا، روی سنگ مرمر سفیدی تاریخ ساخت یا شاید تجدید بنای بقعه را چنین توضیح داده بودند: «فی ایام دوله السلطان الاعظم و الخاقان المعظم حافظ بلاد الله و ناصر عبادالله ابوالمظفر شاه سلطان محمد خدابنده خلدالله مُلکه و سلطانه بسعی و اهتمام بنده درگاه خواجه قنبرعلی بن خواجه حسین سنه ۹۸۵».

این کتیبه کوچک هنوز هم بر سردر بقعه پیرپالاندوز نصب است. می‌دانیم سلطان محمدخدابنده فرزند شاه‌طهماسب یکم، پس از دوران کوتاه سلطنت شاه‌اسماعیل دوم که دورانی پر از خون‌ریزی و هرج و مرج بود، در سال ۹۸۵ق. به حکومت رسید و تا سال ۹۹۶ق. که پسرش شاه‌عباس یکم او را از سلطنت خلع کرد، با وجود نابینایی و ناتوانی در اداره امور، اسماً فرمانروا ماند. بنابراین احتمال دارد ساخت بنا از دوران شاه‌طهماسب یا شاه‌اسماعیل دوم شروع شده و در این سال به پایان رسیده باشد.

در واقع خواجه قنبرعلی نام شاه صفوی وقت را روی کتیبه گذاشته است تا بعد برایش مشکلی پیش نیاید. با توجه به این قضیه، احتمالاً فرد مدفون در بقعه باید پیش از سال ۹۸۵ق. درگذشته باشد. نتیجه‌ای که می‌توان از این موضوع گرفت، آن است که داستان مربوط به دیدار شیخ بهایی با پیرپالاندوز به احتمال خیلی زیاد، دقیق و درست نیست. راویان این داستان، زمان دیدار را عهد شاه‌عباس یکم صفوی می‌دانند و در این دوره فرد مدفون در بقعه پیرپالاندوز، در قید حیات نبوده است.

اگر قرار باشد این دیدار را واقعی بدانیم باید آن را مربوط به زمانی فرض کنیم که پدر شیخ بهایی؛ عزالدین حسین‌بن عبدالصمد عاملی از سوی شاه‌طهماسب یکم به عنوان شیخ‌الاسلام مشهد تعیین شد و به این شهر آمد یعنی سال ۹۷۰ق. و در این تاریخ هم شیخ بهایی نوجوانی حدوداً ۱۶ ساله بوده و بعید به نظر می‌رسد دیداری با آن مشخصات عرفانی، بین او و فردی که با عنوان پیرپالاندوز در حکایت‌های عامیانه نقل می‌شود، اتفاق افتاده باشد.

گمانه‌زنی درباره پیرپالاندوز

پس فرد مدفون در بقعه پیرپالاندوز که امروزه بنای آن به مجموعه اماکن متبرکه راه یافته، کیست؟ در این باره دو دیدگاه وجود دارد که اثبات هر دو آن‌ها کار ساده‌ای به نظر نمی‌رسد. دیدگاه نخست، شیخ محمد عارف کارندهی (احتمالاً منسوب به روستای کارده واقع در شمال شرقی مشهد)، از عرفای دوره صفوی و ساکن شهر مشهد را به عنوان فرد مدفون در بقعه معرفی می‌کند؛ عارفی که برخی می‌گویند حوالی سال ۹۸۵ق. زمان ساخت بنا، بدرود حیات گفت و در زهد و عرفان شهرتی تمام داشت و شاگردانی را نیز تربیت کرد. با این حال، برخی دیگر از مورخان و محققان مانند سید ضیاءالدین سجادی در کتاب «مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف»، فرد مدفون در بقعه را ابونصر عبدالله بن علی سرّاج طوسی می‌دانند؛ ملقب به «طاووس الفقرا» و صاحب کتاب مشهور «اللمع» که از عرفا و فقهای مشهور قرن چهارم هجری بود. این نظر در میان مورخان طرفدارانی دارد، اما قابل اثبات نیست به همین دلیل نمی‌توان میان دو فرد، به عنوان صاحب مقبره بقعه پیرپالاندوز، یکی را به طور دقیق برگزید، هرچند مردم مشهد شیخ محمد کارندهی را صاحب مقبره می‌دانند. بنابراین باید احترام مردم به بنا و بقای آن را طی قرن‌ها، به عنوان دلیلی برای محترم و شاید صاحب کرامت بودن فرد مدفون در بنا فرض کنیم؛ موضوعی که البته به دلیل فقدان اسناد تاریخی قابل رهگیری و شناسایی بیشتر نیست. نکته‌ای که شاید بسیاری از ما درباره بنای پیرپالاندوز ندانیم، این است که مزار حجت‌الاسلام غلامرضا واعظ طبسی پدر مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی، تولیت فقید آستان قدس رضوی هم که در سال ۱۳۱۵ش. دار فانی را وداع گفت، داخل بقعه پیرپالاندوز قرار دارد.

مجازآباد

مثل دزفول

صفحه مجازی بخش زنان، خانواده و سبک زندگی منتسب به رهبر انقلاب (ریحانه)، همزمان با چهارم خرداد که به نام «روز مقاومت دزفول» نام‌گذاری شده است، لوحی با عنوان «مانده بر پای وطن» را منتشر کرد. در توضیح این طرح، بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب منتشر شده است که در ادامه آن را می‌خوانید: «در دفاع مقدس، نقش پشت جبهه به قدر جبهه اهمیت داشت. برخی با حمایت‌های فرهنگی و تبلیغاتی دائم مشغول خنثی‌سازی عملیات روانی دشمن بودند، از شعر و شعار و پذیرایی از جنگ‌زده‌ها، تا ماندن مردم شهرها زیر موشکباران دشمن، مثل دزفول؛ یکی از موارد افتخارآمیز پشت جبهه، ماندن مردم اهالی شهرهای زیر موشکباران بعضی از شهرها بود».

صحبت کردن پشت سر نامزدها

این روزها انتخابات یکی از داغ‌ترین سوژه‌های فضای مجازی به حساب می‌آید. کانال فقه و احکام رهبر معظم انقلاب اسلامی هم در همین راستا جدیدترین استفتا از معظم له و جواب ایشان را منتشر کرده است. در این پست مجازی که با عنوان «صحبت کردن پشت سر نامزدها» منتشر شده، آمده است:

سؤال: در ایام انتخابات برای شناخت نامزد مناسب، باید نواقص، عیوب و امتیازات آن‌ها را در گذشته و حال تفحص کرد تا فرد لایق را پیدا نمود، آیا صحبت کردن پشت سر نامزدها برای انتخاب فرد اصلح، جایز است؟ ملاک چیست؟

جواب: در امور مربوط به انتخابات در حد مشاوره، اشکال ندارد.

پرچمشون بالاست!

محمدحسین پویانفر، مداح اهل‌بیت(ع) با انتشار تصویری از حضور داوطلبانه‌اش برای تزریق واکسن ایرانی کرونا در روز سوم خرداد، در صفحه اینستاگرامی خود نوشت: «همیشه برای من سوم خرداد و آزادی خرمشهر یادآور اعتماد به جُونای ایرانی بوده. دسته‌گلایی چون شهید حسن باقری. سوم خرداد ۱۴۰۰ تصمیم گرفتم به دانشمندا، جُونای ایرانی اعتماد کنم و در طرح واکسن ایرانی کووید۱۹ شرکت کنم. ماها هروقت به جونای ایرانی زیر سایه باتجربه‌های عاقل اعتماد کردیم ضرر نکردیم. دَمشون گرم و عزتشون روزافزون.

پی نوشت: بروبچه‌های کادر سلامت پرچمشون بالاست. روح همه مدافعان سلامت هم شاد شاد».

خوشبختی حقیقی از منظر ملاصدرا چگونه بدست می‌آید؟ حسن اسماعیلی، استاد دانشگاه تهران در یادداشتی نوشت: صدرالمتالهین کتاب عظیم «الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه» را با این مقدمه آغاز می‌کند: «بسیاری هستند که گمان می‌کنند خوشبختی در رسیدن به لذت‌های مادی و ریاست‌های خیالی است؛ حال آنکه چقدر روشن است برای کسی که با حقیقت هستی آشنا بوده و به معارف الهی دست یافته که هیوریز از خوشبختی‌های زودگذر دنیا و لذت‌های محسوس و فوری آن سعادت حقیقی نیست و موجب شادمانی و طراوت معنوی و عقلی نمی‌شود». او خوشبختی هر موجودی را در رسیدن به کمالی می‌داند که برای آن آفریده شده است و معتقد است کمال مقصود از خلقت انسان تجرد از مادیات و رسیدن به خدا و مشاهده حضرت باری تعالی است. صدرالمتالهین می‌گوید از آنجا که این هدف جز با دل کندن از دنیا و تحصیل علوم و معارف حقیقی حاصل نمی‌شود. کتاب حکمت متعالیه را بر اساس چهار سفر عرفا نوشته است.

بازتاب

تأثیر کلام حاج قاسم در شیعه شدن بانوی خبرنگار آمریکایی

رواق: مونیکا بانوی ۴۲ ساله اهل آمریکای جنوبی شامگاه دوم خرداد ماه در مرکز اسلامی کاراکاس در ونزوئلا به دین مبین اسلام مشرف شد. جمعیت مسلمانان به سرعت در حال رشد است. در حال حاضر گرایش به دین اسلام در قیاس با بقیه ادیان جهان رشد سریع‌تری دارد. بر اساس آمار مرکز تحقیقاتی «پیو» آمریکا، اسلام در حال خودشان بیشترین رشد را در قیاس با سایر ادیان جهان دارد. در حال حاضر حدود ۱.۸ میلیارد مسلمان در جهان وجود دارد که تقریباً یک‌چهارم جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و اسلام دومین دین بزرگ از لحاظ تعداد پیروان، پس از مسیحیت محسوب می‌شود. با این حال، تخمین زده می‌شود در اواسط قرن ۲۱ (حدود سال ۲۰۵۰)، اسلام برجمعیت‌ترین دین دنیا شود. این امر هم به خاطر میزان زاد و ولد مسلمانان و افزایش افراد تازه‌مسلمان است.

از لحاظ گستره حضور مسلمانان در جهان، حدود ۶۰ درصد از جمعیت مسلمانان در کشورهای آسیایی (به جز خاورمیانه) ساکن هستند و بقیه آن‌ها در خاورمیانه، آفریقا، اروپا و آمریکا حضور دارند.

خبرگزاری مهرنوشت: سهیل اسعد، مبلغ فعال در آمریکای جنوبی در شبکه اجتماعی اینستاگرام از اسلام آوردن و شیعه شدن بانوی خبرنگار ونزوئلایی خبر داد و گفت: خانم مونیکا گازاردو ۴۲ ساله که از خبرنگاران ونزوئلایی است چندی پیش یکی از مصاحبه‌های سردار عزیزمان حاج قاسم سلیمانی را در خصوص جنگ ۳۳ روزه لبنان مشاهده کرده و متأثر از کلام سردار دل‌ها می‌شود. در این فیلم حاج قاسم از عاشورا و کلام امام حسین(ع) و قرآن و مکتب جهادی اسلام سخن می‌گوید. او با آشنا شدن با کلیدواژه‌ها تحقیق و مطالعه را شروع کرده و عاشق مکتب حاج قاسم می‌شود.وی با بیان اینکه دو کشتی که جمهوری اسلامی ایران به ونزوئلا فرستاده بود توجه این بانوی خبرنگار را جلب کرده بود، افزود: این بانوی تازه مسلمان شده با برخی از ایرانیان مرتبط شده و از این اقدام جمهوری اسلامی ایران که حامی مستضعفان است متعجب و خرسند بوده است. وی سپس توسط یکی از خواهران ایرانی جهت پاسخ به سؤالات و شبهات به بنده معرفی شد. او گاهی سؤالات اعتقادی‌اش را برایم ارسال می‌کرد اما ظاهراً خجالت می‌کشید خیلی سؤال کند. پس از اینکه به ونزوئلا آمدم چند بار پرسش و پاسخ تلفنی داشتیم و از شهر دیگری برای گفتن شهادتین به کاراکاس آمد.

وی در گذشته یک مسیحی سوسیالیست بود

وی با اعلام اینکه مونیکا در گذشته مسیحی سوسیالیست بوده است، گفت: او دختر والدینی انقلابی است و مادربزرگی مذهبی داشته؛ در اینجا افراد یا باید مذهبی باشند و یا انقلابی و جمع این دو با هم ناممکن است به‌خاطر تعالیم متضاد کلیسای کاتولیک و سوسیالیسم. این مبلغ آمریکای جنوبی با تأکید بر اینکه این بانوی خبرنگار در حدود یک سال در تحقیق و بررسی دین مبین اسلام بوده است، اضافه کرد: قرآن، نهج‌البلاغه و کتابی که یک تازه مسلمان اروپایی به زبان اسپانیایی نوشته با عنوان «ایران، کشوری که آمریکا به آن حمله می‌کند» و کتاب‌های دیگر شناخت تشیع از جمله متونی بود که اوبرای شناخت بیشتر دین اسلام مطالعه کرده بود. سهیل اسعد در خصوص پذیرش حجاب از سوی این بانوی تازه مسلمان گفت: این بانوی خبرنگار از آنجایی که سلوک اسلامی داشت و انسان متعهدی بود به من گفت وقتی ایدئولوژی را قبول می‌کنم با تمام ارکانش آن را می‌پذیرم. سیاسی می‌تواند جواب دهد که پیروانش نسبت به آن متعهد و ملتزم عملی باشند. پیروزی اسلام در تعهد مردم مسلمان است و تعهد یعنی عمل به دستورات اسلام.

خانواده این بانو در حال شناخت اسلام هستند

او با اعلام اینکه مونیکا نیز در حال تحقیق و بررسی دین مبین اسلام است، افزود: خانواده مونیکا مخالف نبودند چون خودشان اهل فرهنگ و از فعالان فرهنگی و اهل مطالعه و تحقیق هستند، به همین دلیل با تغییر دین دخترشان همراهی کردند و حتی مادرشان در حال شناخت اسلام هستند و ما نیز برای پاسخ به بعضی سؤالاتشان به مرکز اسلامی کاراکاس دعوتشان کردیم. مؤسس مرکز اسلامی کاراکاس با اعلام فعالیت‌های این مرکز گفت: مرکز اسلامی کاراکاس را در سال ۲۰۰۹ تأسیس کردم و از آن ایام فعالیت‌های متنوعی دارد. این مرکز از مسلمانان با حمایت‌های فرهنگی و دینی و معنوی، پشتیبانی می‌کند و کانون فرهنگی فعالیت‌های فرهنگی، مراسم‌ها، مسائل دینی، تدریس، سمینار و کنفرانس‌هاست. همچنین حضور فعال در رسانه‌های آمریکای جنوبی و ارائه خدمات اجتماعی برای فقرا و بین مسلمانان از جمله کارکردهای این مرکز اسلامی است.

قطار تهران ـ مشهد

یک قاشق غذای متبرک برای عزیز

محمد رضا حسینی: ساعت به ۹ شب که می‌رسید انگار کش می‌آمد. یک ساعتی می‌شد قطار حرکت کرده بود. شام آماده بود و تا صبحانه که معمولاً کار زیادی هم نداشت، وقت زیادی بود. حدود ۷ صبح مشهد بودیم و خیلی‌ها اصلاً صبحانه را در قطار نمی‌خوردند. هنوز هم مسافرها یکی یکی از راه می‌رسیدند. بیشتر برای سفرانی می‌آمدند و مایل بودند در همان کوپه خودشان شام بخورند. علی آقا سفارش‌ها را می‌خواند و من هم بشقاب بعدی خوشت را پر کردم. علی آقا گفت:«سیدجان حواست کجاست؟ قورمه سبزی دو تا بود...». یک قورمه سبزی دیگر کشیدم و راهی‌اش کردم. آخرین سفرانی سالن بود و هنوز سفارش دیگری از کوپه‌ها نداشتیم. باز ساعت را نگاه کردم.

تازه یک ربع به ۱۰ بود. نگاهی به تاریکی آن طرف پنجره قطار انداختم. همه جا سوت و کور و سیاه بود. تنها صدا مثل همیشه، صدای حرکت قطار روی ریل‌ها بود که می‌آمد. یاد ماه پیش افتادم. درست همین‌جا ایستاده بودم و عزیز را نگاه می‌کردم. داخل سالن شامش را خورد بعد هم با کمک صفورا به کوپه رفت. خیسی اشک را گوشه چشمم که حس کردم، به خود آمدم. آخر مگر قرار بود عزیز خوب نشود؟ فکر بد نکن. فردا عمل می‌شود و... نگاهم روی عصای پیرمرد رفت. دو قابلمه نسبتاً بزرگ دستش بود. به طرفم آمد:«پسرجان چهار پرس برنج و قیمه می‌خواهم». قابلمه‌ها را گرفتم. به بخش آشپزخانه رفتم و غذا را کشیدم. کنجکاو شدم و خودم غذا را بردم. کنار پنجره نشسته بود و نان و پنیر می‌خورد.

–پدرجان یک پرس غذا را بشقاب بیارم همین جا میل کنین؟»

با سر نشان داد که نه. لقمه‌اش را که قورت داد لبخندی زد و گفت:«نه پسرم! من شام سبک می‌خورم. این غذا را هم برای حاج خانوم و بچه‌ها می‌برم...».

– پس خواستین برین بگین کمک کنم قابلمه‌ها رو برتون بیارم...

- الان میرم پسرجون... اگر کمک کنی که خدا خیرت بده... فقط یکم صبر کن. دست در ساکش کرد و ظرف غذای یکبار مصرفی را درآورد... برنج خوش عطری داشت. برنجها را داخل قابلمه برنجش ریخت، خوب مخلوط کرد و چندباری صلوات فرستاد. نمی‌دانستم چه می‌کند. با تعجب نگاهش کردم. بعد نوبت به خورشتش شد. ظرف آن را هم باز کرد و به قابلمه خورشت اضافه کرد. صلوات فرستاد و خوب مخلوط کرد. با دقت، در قابلمه‌ها را گذاشت، بعد آن‌ها را داخل روسری بزرگی گذاشت و محکم گره زد.

–تموم شد. لطف می‌کنی کمکم کنی تا کوپه‌ام بیاری...؟»

رستوران کاری نداشتم. چشمی گفتم و دنبالش افتادم. عصایش را به آرامی زمین می‌گذاشت. رسیدیم... واگن هشتم... کوپه هشت.

– عافیت بخیر شی پسرم. این سوغاتی ما رو بده... .

نتوانستم جلو کنجکاوی‌ام را بگیرم.

–ماجرای این سوغاتی شما چیه؟»

لبخندی زد و گفت:«تبرکی حرم آقامه... با غذای شما قاتی کردم برکت کنه زیاد شه برای بچه‌ها که می‌برم به همه برسه...». دلم لرزید. چرا زودتر نفهمیده بودم. برای منی که چندسالی بود در مسیر تهران -مشهد بودم این ماجرای آشنایی است. همین یک‌سال پیش بود که آن خادم حرم، غذای خودش را به من داد تا به نیت تبرک برای عزیز ببرم.

–پدرجان! میشه یک قاشق از این غذا برای مادر مریضم بدی ببرم؟

پنجره

در بخش فرهنگ، نظریه‌ای مبتنی بر آموزه‌های دینی نداریم

اگر رئیس‌جمهور سوگند یاد می‌کند مجری قانون اساسی باشد، باید زمینه را برای رشد فضائل اخلاقی و کاهش فساد و تباهی فراهم کند. و این کار باید از طریق رسانه‌ها و تأسیس مراکز مرتبط انجام شود. ایجاد امکانات عادلانه مادی و معنوی و تأمین حقوق همه‌جانبه از جمله فرهنگی و معنوی از وظایف دولت‌هاست. از دولت‌ها انتظار می‌رود در تعامل با مردم، نخبگان و زیردستان مواجهه اخلاقی و فرهنگی داشته باشند. در آموزه‌های دینی بیان شده مردم به حاکمانشان شبیه‌ترند تا پدرانشان.

اکنون رابطه مسئولان با مردم چگونه است؟ آیا مبتنی بر رعایت انصاف و اخلاق است؟ رابطه آن‌ها با سایر قوا چگونه است؟ آیا قرار است کارها از طریق فرهنگ‌سازی و هم‌افزایی و نوع برخورد فرهنگی پیش برود یا از طریق قانونی؟ آیا با نخبگان و دانشگاهیان رابطه صمیمانه‌ای وجود دارد؟ گاه دولت‌ها به نقدپذیری و مشورت توجهی نمی‌کنند. دولت سیزدهم باید مواجهه فرهنگی و اخلاقی با مردم داشته باشد نه تحکمی و از موضع تکبر و مدیریت.

رئیس‌جمهور رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی است که به عنوان ستاد برنامه‌ریزی و عملیات فرهنگی کشور جایگاه بالایی دارد. بنابراین بیان نقدهایی درباره فعال نبودن این شورا متوجه شخص رئیس‌جمهور است. به‌تازگی رئیس‌جمهور در این جلسات شرکت نمی‌کند یا برخود سخیفی با برخی اعضا دارد.

در بحث آموزش به نظریه ملی رسیده‌ایم ولی در بخش فرهنگ نظریه‌ای مبتنی بر آموزه‌های دینی و چالش‌های فرهنگی نداریم. باید بیش‌نویس این نظریه تدوین و در شورای عالی فرهنگی بررسی شود. البته بیانیه گام دوم برای ارائه این نظریه بسیار کمک‌کننده است.

باید دولت، مجلس و قوه قضائیه رویکرد فرهنگی داشته باشند. رئیس‌جمهور به صدا و سیمای فرهنگی، دانش‌آموز فرهنگی، دانشجوی فرهنگی و تئاتر و فیلم فرهنگی نیاز دارد. اگر به ولایت فقیه و تمدن اسلامی معتقدیم، باید بدانیم این امر زمانی رخ خواهد داد که به امور فرهنگی رو آوریم. امروز موسیقی‌دانان و فیلم‌سازان جهت‌گیری خوبی دارند، ولی دولت سیزدهم باید فرهنگ‌مدارتر باشد و حتی نگاه به روابط بین‌الملل باید مبتنی بر فرهنگ باشد.

برگرفته از سخنرانی حجت‌الاسلام ذوعلم در نشست «انتظارات فرهنگی در دولت سیزدهم»؛ ایکنا

دکتر سیداحمد رهنمایی، دانش‌آموخته دکترای فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه مک گیل کانادا از نسبت تعلیم و تربیت و سیاست می‌گوید

انتقاد سازنده همان تربیت سیاسی است

پارسا نیکوکار: تعلیم و تربیت از مسائلی است که در نگاه بنیان‌گذار انقلاب اسلامی محدود و معطوف به مسائل اجتماعی یا آموزشی نبوده است. امام خمینی(ره) نه تنها در گفتار بلکه در سیره خودشان نیز نشان دادند تأکید زیادی بر پیوند عنصر تربیت با مسئله سیاست دارند. روی همین حساب است که می‌گویند: «آقایان که تربیت بچه‌ها را می‌کنند مسائل سیاسی روز را هم به آن‌ها تعلیم بکنند. نمی‌گویم هم آن این باشد. همه چیز باید باشد. یک بچه‌ای که از یک مدرسه بیرون می‌آید، باید مسائل دینی‌اش را بداند. مسائل نماز و روزه‌اش را بداند. هم تربیت‌های علمی بشود... و هم تربیت سیاسی». در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام دکتر سیداحمد رهنمایی، دانش‌آموخته دکترای فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه مک گیل کانادا و دانشیار گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) تلاش کرده‌ایم در خصوص سازوکارهای تربیت سیاسی حرف بزنیم که در ادامه از نظر می‌گذرانید.

◆ جناب دکتر رهنمایی، به کار بردن عنوان «تربیت سیاسی» به نظر کمی حاوی بار منفی و نگاه از بالا به پایین است. دیدگاهتان را در خصوص این تعبیر و نسبت میان بحث تربیت و سیاست بفرمایید.

من از اصل «نصیحه للملوک» استفاده می‌کنم که در تدابیری که اسلام در نظر گرفته شده آمده است. واقعاً نه فقط افراد شاخص و صاحب‌منصب و کسانی که سکاندار امر دولت و کشور هستند بلکه از همه مردم نیز انتظار می‌رود این اصل خیرخواهانه را داشته باشند. بعضی اوقات نیز این خیرخواهی با مطالبه جدی همراه است. خود این نصیحه‌للملوک یک اصل تربیتی است. نصیحه للملوک این‌طور نیست که بگویم اثبات شئ نفی ما اذا کند، یعنی بگویم در سطوح پایین‌تر نباشد. بالطبع افراد در سطوح بالاتر نگاه سطوح پایین‌تر را روی خود دارند و همین مسئله مهم‌تری دلیل بر اهمیت توجه به این اصل در سطوح بالاتر است.

در روایات نیز بر این مسئله تأکید می‌شود اگر دولتمردان، صالح و شایسته باشند مردم نیز صالح و شایسته خواهند بود و اگر دولتمردان، فاسد و تبهکار باشند، ملت نیز راه فساد و تبهکاری را یاد می‌گیرند. روایت «الناس علی دین ملوکهم» نیز بر همین نکته تأکید دارد. خدا رحمت کند شهید رجایی را که تربیت شده چنین مکتبی بود و روی همین حساب می‌گفت: «در جهنم، خدا جایی دارد که فشار عذابش مساوی است با گناه ۳۶ میلیون انسان؛ آنجا جای من است که حرکت و سخن و برخوردم روی زندگی ۳۶ میلیون انسان اثر می‌گذارد. یک بله و یک نه، سرنوشت ۳۶ میلیون انسان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد»؛ این نگاه پر از جنبه‌های تربیت سیاسی است.

> بیایید ایجابی و اثباتی صحبت کنیم. ضرورتی ندارد وقت مردم را با این بگیریم که چرا فلانی تأیید صلاحیت یا فلان کس رد صلاحیت شد بلکه این به معنای وقت‌کشی است. از واقعیت‌ها و مفاسدی که اتفاق افتاده حرف بزنیم ولی به این صورت که رنگ و بوی بداخلاقی به خود نگیرد

◆ این تربیت منحصر به مردم است یا افراد شاخص را هم دربرمی‌گیرد؟

تربیت صرفاً منحصر به مردم و افراد معمولی نیست بلکه در خصوص پیامبران الهی نیز مصداق دارد. نکته اینجاست آن که متکفل تربیت پیامبران الهی نیز خود خداوند است. حضرت امیرالمؤمنین(ع) در فرازی در گفت‌وگوی طولانی که با کمیل دارند می‌فرمایند: «إن رسولَ اللّه صلی اللّه علیه و آله أدّبه اللّه عز و جل، و هو أدّبني، و أنا أؤدِّب المؤمنینَ» پیامبر خدا را خداوند تربیت کرد و او مرا و من مؤمنان را تربیت می‌کنم». این مؤمنانی که در آیه آیه گفته می‌شود، دامنه وسیعی دارد و خرد و کلان در آن مطرح نیست و همه را شامل می‌شود.

◆ به نظرتان آن مؤلفه تربیتی که ما برای کنشگری سیاسی درست در آن مشکل داریم، چیست؟

فکر می‌کنم ضرر و زیانی که ما به‌خاطر نگفتن و سکوت متحمل شدیم از گفت‌ها متحمل نشدیم. بیشترین زیان‌هایی که متوجه ماست بابت این است که ما این‌ها را نمی‌گوییم. این وظیفه فرد فرد جامعه ماست نه اینکه بگوییم صرفاً این وظیفه روی دوش مراجع تقلید است. ما با نگفتن مسئولیتی را از روی دوش خودمان برمی‌داریم و با این توجیهات آن را سنگین‌تر کرده و روی دوش رهبری می‌گذاریم.

زمانی نزد یکی از بزرگان رسیدم، ایشان داشت از برنامه‌های علامه مصباح یزدی سؤال می‌کرد که من در خصوص برنامه سخنرانی‌های ایشان توضیحاتی دادم، بعد ایشان گفت: من خیالم راحت شد کسی هست که این‌ها را بگوید. از آنجایی که ایشان استاد من بودند من رویم نشد بگویم، ولی در ذهنم این‌طور آمد که هر کسی وظیفه‌ای دارد و نمی‌شود بگوییم چون فلان آقا گفت دیگر تکلیف از روی دوش ما برداشته شده است. بنابراین هر کسی بنابر قابلیتی که در خود احساس می‌کند باید وظیفه طبیعی‌اش را انجام دهد.

ائمه معصومین(ع) نیز همین رویه را داشتند که دست را روی نقطه درد می‌گذاشتند و آنچه را نقطه اشکال ما بود می‌گفتند. البته این نیز خیلی مهم است کسی که حرفی می‌زند و می‌خواهد دیگری را تصحیت کند، عامل به آنچه می‌گوید باشد. وقتی کسی واعظ خودش باشد از موعظه دیگران بی‌نیاز می‌شود.

اگر انتقاد بر اساس اصول بوده و اثر سازنده داشته باشد همان، معادل تربیت معنا می‌یابد. بنابراین در حوزه تعلیم و تربیت برای انتخابات یا اصول تربیتی انتخابات، هم برای انتخاب‌کنندگان و هم برای نامزدها می‌توان این اصول را در نظر گرفت. این اصول برای همه وجود دارد و خیلی ساده نیز بدست می‌آید. ما برای دستیابی به این اصول، اسناد بالادستی، گفتار امامین انقلاب و سندهای چشم‌انداز را داریم. مردم باید با رجوع به این اصول، نسبت به وظیفه خودشان برای تأمین مفاد این اسناد مهم اقدام کنند.

من حتی معتقدم در این دوره چون می‌خواهیم اصول اخلاقی، تربیتی و معنوی پیاده شود باید عملکرد انتخاباتی‌مان نیز رنگ و بوی اخلاقی و تربیتی به خود بگیرد. نکته بعدی این است ایجابی و اثباتی صحبت کنیم. ضرورتی ندارد وقت مردم را با این بگیریم که چرا فلانی تأیید صلاحیت یا فلان کس رد صلاحیت شد بلکه این به معنای وقت‌کشی است. از واقعیت‌ها و مفاسدی که اتفاق افتاده حرف بزنیم ولی به این صورت که رنگ و بوی بداخلاقی به خود نگیرد.

به تعبیری جهت‌گیری‌مان به سمت امیدوارسازی مردم باشد.

◆ اخلاق از مسائلی است که خیلی در نسبت با سیاست حول آن بحث شده است؛ تربیت سیاسی اسلامی در این خصوص چه می‌گوید؟

همه این مسائلی که گفتم در پوشش تربیتی آن هم از جنس تربیت اخلاقی است. اخلاق کلیدواژه همه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است.

این نیز نکته‌ای نیست که من طلبه روی آن تأکید داشته باشم بلکه قرآن از آن حرف می‌زند. قرآن وقتی می‌خواهد از پیامبری که جامعیت تام دارد و به حد اعلای کمال رسیده، تعریف کند می‌گوید: «انک لعلی خلق عظیم» یعنی محور و کلیدواژه رسالت پیامبر اخلاق است.

البته این اخلاق ملازم با غیرت دینی نیز هست یعنی پیامبر جایی که می‌دیدند واجبی از واجب‌های الهی در حال لگدمال شدن است غیرت دینی‌شان به جوش می‌آمد و تشنر زده و مطالبه‌گری می‌کردند. در فضای سیاسی و اجتماعی نیز آن کلیدواژه‌ای که فردی را حیات بخشیده و ماندگار می‌کند، اخلاق و ایمان است.

◆ به نظر شما چگونه می‌توان ارزش‌های تربیت اسلامی را وارد گود انتخابات و سیاست کرد؟

بخشی از این‌ها با کار رسانه‌ای و در معرض افکار و دید مردم قرار گرفتن صورت می‌پذیرد. ما هر لحظه در حال فیلم‌برداری هر آنچه می‌بینیم، هستیم.

این‌ها در ذهن ما ذخیره می‌شود و به وقت خودش از آن استفاده می‌شود. اگر فردی روزی ۱۰ بار این جمله که «رئیس جمهور باید با ایمان باشد» را ببیند باور کنید وقتی بخواهد رأی بدهد آنچه در ذهنش ذخیره کرده، رو خواهد شد و دست و دلش از رأی دادن به کسی که اطمینان از ایمان او ندارد، خواهد لرزید. همین‌طور می‌توان روی کلیدواژه‌های دیگر دست گذاشت و با کار رسانه‌ای آن‌ها را در معرض ذهن و دید مردم قرار داد تا در ناخودآگاه افراد رسوب کند.

از طرف دیگر رفتار نامزدها نقش بسیار مهمی در این قضیه دارد.

سفره اطعام را برای نمونه اگر نامزدی در رده مسئولیتی خودش سفره اطعام را مسخره کند و ساده بودن آن را به سخره بگیرد، بدیهی است چنین رفتاری در بدنه مردم نیز خود را نشان خواهد داد، چرا که این ارزش توسط کسانی که در رده بالا بوده‌اند لگدمال شده است.

عارفانه

چرا برخی احادیث، زیارت حضرت رضا(ع) را افضل زیارات اهل بیت(ع) دانسته‌اند؟

زیارت بر اساس آنچه در ادبیات عرب آمده یعنی به محضر شخصیتی بزرگ شرفیاب شدن. اما زیارتی که مورد بحثمان هست قطعاً زیارت پیامبر بزرگوار(ص)، ائمه اطهار(ع) و فرزندان آن‌هاست و مطلق دیدار مورد نظر نیست. برکات این زیارت بسیار زیاد است. در برخی روایات درباره زیارت پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) به‌ویژه زیارت علی بن موسی الرضا(ع) روایات بسیار زیادی داریم.

در روایات ثواب زیارت حضرت رضا(ع) را از حج بیشتر دانسته‌اند. اما ثواب حج چیست؟ در روایاتی که از اهل بیت عصمت و طهارت(ع) درباره حج وارد شده نخستین برکت حج این است وقتی حاجی از حج فارغ می‌شود تمام گناهان او بخشیده می‌شود.

در روایتی دیگر داریم با رفتن به حج تمام گناهان فرد بخشیده می‌شود و تا آخر عمرش هم فقر به سراغ او نمی‌رود. در روایتی دیگر هم از قول امام جواد(ع) آمده است: اگر زیارت پدرم علی بن موسی الرضا(ع) با توجه و معرفت باشد ثوابی بیشتر از هزار حج دارد. این فواید و برکاتی است که در معارف و فرهنگ تشیع برای زیارت پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) ذکر شده است.

چرا برای زیارت امام رضا(ع) تا این حد ثواب و فضیلت ذکر شده، حتی برخی از احادیث، زیارت حضرت رضا(ع) را افضل زیارات اهل بیت(ع) دانسته‌اند؟

سؤال بسیار جالبی است و اتفاقاً در متن روایتی معتبر به این نکته اشاره شده است. از امام جواد(ع) سؤال کردند چرا زیارت حضرت رضا(ع) این قدر فضیلت دارد و حضرت فرمودند: برای اینکه خیلی‌ها به حج می‌روند؛ چه کسانی که مشکل اعتقادی دارند و چه کسانی که مشکل اعتقادی ندارند، اعتقادات‌شان کامل نیست و خودشان را تا آخر به آنچه باید در فرهنگ دین به آن اعتقاد داشته باشند نرسانده‌اند.

اما در مورد زیارت امام رضا(ع) کسی که به زیارت ایشان مشرف می‌شود عمود اعتقادات را تا آخر رسانده است؛ یعنی کسی که به زیارت امام رضا(ع) می‌آید، پیامبران الهی، قرآن، پیامبر آخرالزمان و همه امامان را تا علی بن موسی الرضا(ع) پذیرفته و فردی که حضرت رضا(ع) را پذیرفته تا آخرین امام یعنی حضرت حجت‌الزمان(عج‌الله) را هم پذیرفته است.

درواقع یک بحث بسیار زیبا در اینجا وجود دارد، اینکه در زمینه اعتقاد به جریان امامت تا پیش از حضرت رضا(ع) تعدادی از صحابه به صورت فرقه‌های مختلفی مثل زیدیه، واقفیه، اسماعیلیه و... از سلسله امامت جدا شدند، اما آن که توانسته خودش را در سلسله امامت به حضرت رضا(ع) برساند تا حضرت مهدی(عج الله) را هم پذیرفته است.

ما از این روایت درمی‌یابیم آن که به زیارت علی بن موسی الرضا(ع) می‌آید با اعتقادات و اخلاص کامل می‌آید و اعتقادات که کامل باشد دقیقاً معرفت مدنظر در فرمایش حضرت جواد(ع) که فرمودند: «اگر زیارت از روی معرفت باشد ثواب بیش از هزار حج دارد» اتفاق می‌افتد. این دلیلی است که ثواب زیارت حضرت رضا(ع) را بالا می‌برد.

برگرفته از گفت‌وگوی آستان نیوز با آیت الله عالمی

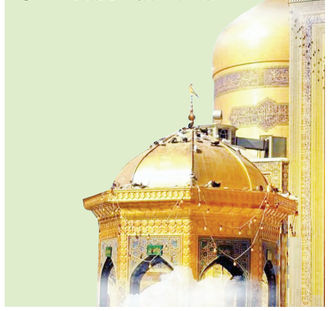

دیدگاه

بی‌توجهی به اثرگذاری بر مخاطب ضعف کتاب‌های دینی است

محمدکاظم شاکر، استاد دانشگاه علامه طباطبایی با قدردانی از متولیان کتاب «تفسیر معاصرانه قرآن» به برخی ایرادهای آن اشاره کرد و گفت: برداشت‌های ذوقی تفسیری، حذف اقوال تفسیری ۳۰۰ سال اخیر و اشتباه‌های تجویدی از جمله نقایص این تفسیر است، به گزارش قدس و به نقل از ایکنا، شاکر در نشست علمی «نقد کتاب تفسیر معاصرانه قرآن کریم» در دانشگاه قم گفت: پروفسور نصر سال‌ها در این زمینه مطالعه و فعالیت داشته، بنابراین شایستگی این کار را داشته است، ضمن اینکه از افراد مسلمانی هم استفاده کرده و خودش هم شیعه است و تألیف این اثر را با اصرار پذیرفته است. گرچه تیم آن‌ها نقص زیادی دارد از جمله اینکه از وجود یک قرآن‌پژوه متخصص بهره نبرده است. استاد دانشگاه علامه طباطبایی افزود: جای یک قرآن‌پژوه جدی در این تألیف خالی بوده است؛ کسی مانند بهاءالدین خرمشاهی باید در کنار این تیم می‌بود تا اشکالات کار برطرف شود.

شاکر تأکید کرد: مترجم اثر نیز چون تسلط نداشته است اشکالات و اشتباه‌های زیادی را در این ترجمه شاهدیم. متن انگلیسی هم در اختیار ما نبوده است که این اشکالات را ناشی از مترجم بدانیم یا مؤلف. افزون بر این، در این اثر علاوه بر مقدمه، احتیاج به تبیین مبانی اصلی هم وجود داشته است، این آثار جای بیانیه دادن نیست؛ آقای نصر گفته ما سنتی هستیم و متن را از خود خدا می‌دانیم، ولی سؤال این است آیا خوانندگان انگلیسی‌زبان شما هم باید این مبنا را قبول کنند؟ بنابراین ایشان باید مبانی را تبیین می‌کرد.وی ادامه داد: بیشتر خوانندگان انگلیسی‌زبان، مسیحی هستند و عمدتاً لفظ وحیانی و املایی را قبول ندارند و به راحتی نمی‌پذیرند متون دینی از خود خداوند باشد، بنابراین باید به صورت عقلانی این مسئله برای مخاطب تبیین می‌شد؛ یعنی اثبات امکان وحی از طریق فرشته و از پشت حجاب. حتی همه خوانندگان مسلمان هم حجیت خبر واحد در تفسیر را قبول ندارند. خود علامه طباطبایی که استاد نصر است، همین نظر را دارد. نصر آورده این تفسیر براساس سنت نوشته شده، ولی آیا نباید مراد از سنت و مبانی ایشان در استفاده از سنت تبیین می‌شد؟

بی‌توجهی به تأثیرگذاری بر مخاطب

شاکر خطاب به نصر گفت: آیا فکر کرده‌اید تفسیر را برای چه می‌نویسید و چه انتظاری از آن دارید؟ در ایران و مصر خیلی برای اینکه چرا تفسیر می‌نویسیم، فکر نمی‌کنیم؛ اینکه واقعاً تفسیر چه دردی از ما دوا می‌کند. آیا سنجیده‌ایم همان مخاطبانی که برای آن‌ها نوشته‌ایم چقدر با قرآن آشنا می‌شوند؟ آیا الان دانشجویان را می‌توانیم با تفسیر نمونه و تفسیر جوان و المیزان با قرآن آشنا کنیم؟ در صورتی که آثاری هستند که شاید زمان باشند، ولی بر جوانان بسیار اثر می‌گذارند.

استاد دانشگاه علامه طباطبایی بیان کرد: ما در جمهوری اسلامی نباید فقط تفسیر زیبا و شکیل و حتی کتاب‌های غیر تفسیری چاپ کنیم، بلکه باید بسنجیم افراد چقدر به قرآن و دین باورمند شده‌اند، اما عمدتاً این مسئله مورد توجه ما نیست.

وی ادامه داد: دو حالت در اینجا وجود دارد؛ اگر شما مفسراً تفسیر می‌نویسید، باید برداشت خود را ذکر کنید، ولی اگر گفته شود نصر و همکارانش مفسر نیستند، ولی تفاسیر را گزارش می‌کنند، نباید گزینش و حذف و زیادتی انجام شود؛ شما ناقل تفاسیر ۱۴ قرن هستید، بنابراین وجهی ندارد برخی دوره‌های زمانی را حذف کنید.

استاد دانشگاه علامه طباطبایی اضافه کرد: تفسیر، تفسیر است، بنابراین هر چیزی که به عنوان تفسیر عرضه شده، باید ذکر شود تا خواننده بداند رشیدرضا و عبده و حتی مجاهدین خلق چنین برداشتی دارند، گرچه این برداشت‌ها لزوماً درست نیست. در تفسیر نباید چون ما در مقام گزارش تفسیر هستیم، جانبداری از یک مذهب صورت بگیرد. دار باید داوری کند، نه اینکه حذف کند.

برداشت‌های ذوقی فراوان

شاکر اظهار کرد: رویکرد این تفسیر تقریباً باطن‌گرایی است که خود او هم دارای چنین شخصیتی است، ولی خیلی ذوقی است و مطالبی بیان کرده که قابل باور نیست. مثلاً در مورد بای بسم الله یا استناد به برخی روایات ضعیف گفته این نقطه اولین مرکب قلم الهی است. این برداشت خیلی ذوقی است و خواننده غربی فهم درستی از آن ندارد.استاد دانشگاه علامه طباطبایی گفت: در این اثر ابهام‌هایی هم وجود دارد؛ مثلاً حروف مقطعه را دال بر قسم دانسته است که این نیز برداشت ذوقی است؛ در صفحه ۴۸۳ در بحث اتهام زنا و آوردن شاهد، آن را معطوف به زن و مرد دانسته، ولی آیه درصدد بیان اتهام به زن است نه مرد. اشکال تجویدی هم در اثر وجود دارد؛ مثلاً در آیه اول بقره، «ذلک الکتاب لا ریب فیه» که وقف معانقه دارد، وی وقف بر الکتاب را هم جایز دانسته و از معانقه معروف عبور کرده است.

سبک زندگی

تأثیر سبک زندگی بر باروری مادران

سبک زندگی کنونی ما اسلامی نیست، زیرا برخی زنان کسب تحصیل و داشتن شغل را به لذت مادر شدن ترجیح داده‌اند. امروز سبک زندگی والدین و فرزندان از مدار اصلی خارج شده است و گرفتار مشکلات اجتماعی زیادی شده‌ایم. مسئله مهم این است جایگاه زن نه فقط از منظر ادیان، بلکه در خلقت چیست؟ فارغ از نگاه دینی و مذهبی، فرزندآوری، تربیت و رشد آن‌ها بر عهده مادر است. امام خمینی فرمودند: زن و قرآن انسان‌سازند. برمبنای روایات، سعادت و شقاوت فرزندان در ایام جنینی تعیین می‌شود.

رهبری فرمودند: منشأ بسیاری از درگیری‌ها و جنگ‌های بزرگ عالم زنان بوده‌اند، زیرا گره‌های روحی و روانی که والدین از بدو تولد فرزندشان در او ایجاد می‌کنند، سبب می‌شود او برای تخلیه عقده‌هایش جنگ‌آفرینی کند. لذا شیوه تربیت مادر خیلی مهم است. برخی دختران به بهانه اشتغال و حضور اجتماعی از فرزندآوری خودداری می‌کنند. اسلام مشوق تحصیل

انتصاب معاون طرح و برنامه آستان قدس رضوی با حکم قائم مقام تولیت آستان قدس رضوی، رحیم مهدی‌زاده به عنوان معاون طرح و برنامه این آستان منصوب شد. مهدیزاده پیش از این به عنوان معاون توسعه مدیریت و منابع بنیاد بهره وری موقوفات ایفای مسئولیت می کرد. مالک رحمتی در حکم انتصاب معاون طرح و برنامه آستان قدس رضوی، بر اهمیت پیگیری چشم انداز تعیین شده در سند سیاست های کلان این آستان تکید کرده است.

اخبار

نخستین کتاب چاپ سربی ایران در حرم مطهر رضوی رونمایی شد

نخستین کتاب چاپ سربی ایران، موجود در گنجینه نسخ خطی آستان قدس در حرم مطهر رضوی رونمایی شد.به گزارش آستان‌نیوز، آیین رونمایی از قدیمی‌ترین رساله جهادیه چاپ سربی ایران، صبح دیروز در قالب هشتادمین برنامه سه‌شنبه‌های علمی- فرهنگی آستان قدس رضوی در کتابخانه مرکزی حرم مطهر رضوی برگزار شد.

فاطمه رضائی، کارشناس نسخ خطی گنجینه رضوی در این مراسم در سخنانی ابعاد مختلف این نسخه نفیس را مورد بررسی قرار داد.

وی، رساله جهادیه قائم مقام فراهانی را که در سال ۱۲۳۳ هجری قمری به دست محمدعلی آشتیانی به شیوه نوین در تبریز چاپ شد، قدیمی‌ترین کتاب چاپ سربی ایران عنوان کرد که در گنجینه رضوی نگهداری می‌شود و لقب اولین کتاب فارسی چاپ شده در ایران را به خود اختصاص داده است.

به گفته رضائی، کتاب جهادیه ۸۴ صفحه دارد که روی کاغذ نخودی رنگ ضخیم، در ابعاد ۱۵×۲۰/۷ به چاپ رسیده و هر صفحه آن دارای ۱۸ سطر است.

وی در خصوص ویژگی‌های ظاهری این اثر گفت: رساله جهادیه با مرکب مشکی چاپ شده و عاری از هر گونه تصویر و آرایه است، فقط در برخی صفحه‌ها نام فتحعلی شاه و شاهزاده عباس‌میرزا نوشته شده است. رضائی، خط به کار رفته در این کتاب را «نسخ» معرفی کرد و خوانایی، زیبایی، ساختار هندسی مناسب برای حروفچینی، تقسیم متعادل فضای مثبت و منفی و قابلیت سازگاری با حروف‌سازی متحرک فلزی را از مهم‌ترین ویژگی‌های این خط دانست.وی تصریح کرد: با توجه به اینکه خط کتاب، نسخ عربی است، بعضی از ویژگی‌های زبان عربی در متن صفحه‌های رساله جهادیه دیده می‌شود و فاصله حروف در سطرها و صفحه‌های مختلف آن در نوسان است و یکسان نیست.

رضائی همچنین به چاپ مجدد این کتاب در سال ۱۳۹۳ هجری شمسی اشاره کرد که در مؤسسه بیاض در قم با مقدمه اولریش مارزلف، مجید غلامی جلیسه و محمدجواد احمدی‌نیا در قطع وزیری انجام شده است. وی در پایان اظهار کرد: گنجینه رضوی یکی از بزرگ‌ترین نهادهای فرهنگی جهان اسلام است که ۵۲ هزار نسخه کتاب چاپ سنگی و سربی به زبان‌های مختلف در گنجینه نسخ خطی آن نگهداری می‌شود.

پیاده‌سازی سامانه‌های نوین آبیاری هوشمند توسط شرکت کشاورزی رضوی

گام بلند آستان قدس برای مدیریت منابع آبی

هدی زاهدی: از یک سو با خشکسالی‌های شدید و کاهش چشمگیر بارندگی‌ها مواجه‌ایم که کار کشاورزان را سخت کرده و از سوی دیگر باید تلاش کنیم در تولید بسیاری از محصولات کشاورزی خودکفا باشیم و توان کشور در این عرصه را افزایش دهیم. در ظاهر، این کار شدنی نیست؛ چرا که بر پایه اعلام وزارت نیرو ۹۰ درصد آب مصرفی کشور در بخش کشاورزی است و با این روند، حتی استفاده از منابع آب‌های زیرزمینی هم نمی‌تواند پاسخگوی نیاز کشاورزان باشد. بر اساس اعلام کارشناسان تنها راه مدیریت این موضوع، مدیریت منابع آبی با اصلاح شیوه‌های سنتی کشاورزی و استفاده از الگوی کشت مناسب و سامانه‌های آبیاری هوشمند است؛ کاری که شرکت کشاورزی رضوی نیز برای تحقق آن گام‌های مهمی برداشته و دستاوردهای قابل توجهی داشته است.

اجرای آزمایشی جدیدترین نسل سامانه‌های آبیاری در ۶ هکتار

در سال‌های اخیر مجموعه‌های کشت و صنعت آستان قدس رضوی در توسعه سامانه‌های نوین آبیاری پیشرو بوده‌اند و حالا درصدد هستند با تجهیز اراضی کشاورزی به سامانه آبیاری هوشمند، جدیدترین نسل سامانه‌های آبیاری را پیاده‌سازی کنند تا تحولی اساسی در کاهش مصرف آب بخش کشاورزی ایجاد شود. عملیات اجرایی این پروژه پس از طراحی سامانه آبیاری هوشمند و تصویب در کمیته فنی شرکت کشاورزی، از ابتدای خرداد ماه در اراضی کشت و صنعت مزرعه نمونه آغاز و پیش‌بینی شده سه ماه به طول بینجامد؛ پروژه‌ای که قرار است در فاز نخست در سطح ۶ هکتار اجرا شود.

اتکا به دانش متخصصان داخلی

مدیرعامل شرکت کشاورزی رضوی می‌گوید: اعتبار پروژه از منابع داخلی شرکت تأمین شده است و در فاز نخست حدود ۵ میلیارد ریال هزینه در برخواهد داشت. محمود صادقی ادامه می‌دهد: با توجه به اهمیت استفاده از ظرفیت و توانمندی نیروهای متخصص در داخل کشور، طراحی و اجرای سامانه توسط شرکت کارخانجات مخابراتی ایران (ITMC) انجام خواهد شد. او می‌افزاید: امیدواریم با اجرای موفق این طرح آزمایشی، بتوانیم در مرحله بعد از طریق توسعه سامانه آبیاری هوشمند در کشت و صنعت‌های تابعه شرکت کشاورزی رضوی، گام‌های محکمی در راستای مسئولیت مجموعه برای مدیریت مصرف منابع آبی کشور برداریم.

اهمیت آبیاری نوین در کشت محصول مهم و راهبردی چغندرقند

چغندر قند یکی از محصولات با نیاز آبی بالاست اما به دلیل اهمیتی که در تولید قند و شکر در کشور دارد، نیاز به تولید آن در کشور وجود دارد. این موضوعی است که اهمیت کشت این محصول با آبیاری‌های نوین را دوچندان می‌کند. صادقی می‌گوید: به دلیل راهبردی بودن چغندرقند در نیاز کشور و زنجیره تأمین شرکت‌های زیرمجموعه بنیاد بهره‌وری موقوفات آستان قدس رضوی، آبیاری هوشمند در اراضی زیر کشت این محصول اجرایی می‌شود تا با سنجش رطوبت ناحیه غده گیاه بتوان آب مورد نیاز آن را در زمان مناسب و به میزان لازم تأمین کرد تا در کنار کشت محصول، منابع آبی نیز مدیریت شود.

> **عملیات اجرایی این پروژه پس از طراحی سامانه آبیاری هوشمند و تصویب در کمیته فنی شرکت کشاورزی، از ابتدای خرداد ماه در اراضی کشت و صنعت مزرعه نمونه آغاز و پیش‌بینی شده سه ماه به طول بینجامد؛ پروژه‌ای که قرار است در فاز نخست در سطح ۶ هکتار اجرا شود**

فاز دوم؛ پیاده‌سازی در ۱۰۰ هکتار

مدیرعامل شرکت کشاورزی رضوی می‌گوید: بر اساس توافق صورت گرفته با شرکت پیمانکار، چنانچه رضایت کمیته فنی شرکت از اجرای آزمایشی طرح حاصل شود و میزان افزایش راندمان پیش‌بینی شده محقق گردد، این سامانه در سطح حداقل ۱۰۰ هکتار از اراضی مجموعه‌های کشت و صنعت تابعه شرکت کشاورزی رضوی اجرا خواهد شد که به نوبه خود گامی ارزشمند در مدیریت منابع آبی کشور است.

ارتقای بهره‌وری با استفاده از فناوری‌های نوین و خودکار

زمان آبیاری در این نوع سامانه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ به عبارت دیگر، آبیاری دقیقاً در زمان و به میزانی انجام می‌شود که گیاه نیاز دارد و این یعنی دستیابی به کمترین میزان مصرف آب و تأمین دقیق آب مورد نیاز گیاه که در علوم و مهندسی آب از آن با عنوان آبیاری دقیق (Precision Irrigation) نام برده می‌شود. در سامانه آبیاری هوشمند، رطوبت خاک، رطوبت هوا، دمای هوا و... توسط دستگاه اندازه‌گیری شده و پس از تطبیق با سامانه پشتیبانی هواشناسی، نیاز آبی گیاه به وسیله سیستم پردازشگر تعیین و دستور آبیاری هوشمند در سامانه صادر می‌شود.کارشناس مسئول منابع آب شرکت کشاورزی رضوی می‌گوید: راهبرد سامانه آبیاری هوشمند، توجه به استفاده بهینه از منابع آبی و افزایش بهره‌وری با استفاده از فناوری‌های نوین همچون اینترنت اشیا (IOT) است که نقشی محوری دارد. به گونه‌ای که این سیستم در بستر اینترنت اشیا طراحی شده و در واقع برای سنجش و تحلیل تمامی علایم حیاتی و فیزیکی گیاه، به صورت برخط از این فناوری بهره می‌بریم.

مهدی جفائی ادامه می‌دهد: سامانه برنامه‌ریزی آبیاری هوشمند، سامانه‌ای طراحی شده در بستر اینترنت اشیا است؛ بدین معنی که دستگاه «دیتا لاگر» میزان رطوبت اطراف ریشه گیاه را اندازه‌گیری کرده و اطلاعات رطوبت و دمای محیط، سرعت باد، فشار هوا و... را نیز برای سیستم پردازشگر مرکزی ارسال می‌کند. پردازشگر نیز با به کارگیری الگوریتم ترکیبی و استفاده از داده‌های پیش‌بینی هواشناسی، به طور کاملاً هوشمند، میزان آبیاری را تعیین و فرمان‌های لازم را ارسال می‌کند. ضمن اینکه تمامی این موارد بدون دخالت نیروی انسانی و به صورت کاملاً اتوماتیک انجام می‌شود. از دیگر قابلیت‌های این سامانه می‌توان به در دسترس بودن برنامه از طریق نصب اَپ روی گوشی تلفن همراه، کنترل بی‌سیم الکتروپمپ و شیرهای برقی، اعلام هشدار رسیدن زمان آبیاری، اعلام خودکار زمان کوددهی و سم‌پاشی و همچنین تشخیص احتمال سرمازدگی اشاره کرد.

افزایش راندمان آبیاری به ۹۸ درصد

جفائی راندمان آبیاری در سامانه آبیاری هوشمند را ۹۸ درصد عنوان می‌کند و می‌گوید: این راندمان آبیاری حاصل تشخیص میزان دقیق نیاز آبی گیاه و همچنین استفاده بهینه از پیش‌بینی هواشناسی است که بسیار مفید است و در هیچ یک از سامانه‌های آبیاری نوین دیگر به دست نمی‌آید.

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقدسندرسمی

آگهی موضوع ماده۳قانون ومادە۱۳آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سندرسمی برابرای شمار۱۳۹۹۶۰۳۰۶۰۲۲۰۰۰۹۲۵هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقدسندرسمی مستقردرواحدثبتی حوزه ثبت ملک فریمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم زینت مزینی فرزندقاسم به شماره شناسنامه۳۳صادره ازفریمان دریک باب ساختمان به مساحت۱۵۴.۱۹مترمربع پلاک۲۴۰۵ فرعی از۲۷۶ اصلی واقع دربخش۱۳ازمحل مالکیت رسمی متقاضی محرزگردیده است.لذابه منظوراطلاع عموم مراتب دردونوبت به فاصله۱۵روزآگهی می شوددر صورتی که اشخاص نسبت به صدورسندمالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند ازتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خودرابه این اداره تسلیم وپس ازاخذرسید،ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض،دادخواست خودرابه مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکوروعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادرخواهدشد. آ-۱۴۰۱۷۷۸

تاریخ انتشارنوبت اول:۱۴۰۰/۰۳/۰۵
تاریخ انتشارنوبت دوم:۱۴۰۰/۰۳/۲۰
محمدرضارجایی مقدم-رئیس اداره ثبت اسنادواملاک

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبت تایباد

نظر به دستور مواد ۱ و۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیان که در هیئت موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در بخش ۱۴ مشهد واحد ثبتی شهرستان تایباد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آن محرز و رأی لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد:

خانم پروین خوش دل سورانی به شناسنامه شماره ۱۸۳۰ کدملی ۰۷۴۸۸۹۲۳۶۲ صادره تایباد فرزند نورمحمد در سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب منزل به انضمام طبقه فوقانی به مساحت ۱۴۷/۹۳ مترمربع پلاک شماره ۱۷۸ مکرر فرعی از ۲۵۱ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۱۴ مشهد حوزه ثبت ملک تایباد از محل قسمتی از مالکیت شادروان غوث‌الدین قیسانی (سهم الارثی نظام الدین قیسانی) و قسمتی از پلاک * کلاسه ۳۷-۹۹

آقای احمد وحیدی به شناسنامه شماره ۰۷۴۰۱۳۲۷۳۳ کدملی ۰۷۴۰۱۳۲۷۳۳ صادره تایباد فرزند غلامرضا در سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب منزل به انضمام طبقه فوقانی به مساحت ۱۴۷/۹۳ مترمربع پلاک شماره ۱۷۸ مکرر فرعی از ۲۵۱ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۱۴ مشهد حوزه ثبت ملک تایباد از محل قسمتی از مالکیت شادروان غوث‌الدین قیسانی (سهم الارثی نظام الدین قیسانی) و قسمتی از پلاک * کلاسه ۳۸-۹۹

لذا بموجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه کثیرالانتشار منتشر تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترضین باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهند که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. آ-۱۴۰۱۲۲۸

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۰۲/۲۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۰۳/۰۵
رئیس ثبت اسناد و املاک تایباد- غلامرضا آقازاده

آگهی آراء هیئت حل اختلاف موضوع ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

در اجرای ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه اجرایی قانون یاد شده اسامی افرادی که اسناد عادی یا رسمی آنان در هیئت مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شیروان رسیدگی و تایید قرار گرفته جهت اطلاع در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در دو نشریه آگهی های ثبتی (کثیر الانتشار و محلی) بشرح ذیل آگهی می گردد.

۱-برابرکلاسه ۱۸۳-۹۹و رأی شماره ۱۳۹۹۶۰۳۰۷۱۱۴۰۰۴۱۰۶ آقای حسین علی قدیمی لوجلی فرزند رستم درششدانگ یک باب منزل به مساحت۱۵۶/۸۷ متر مربع قسمتی از پلاک ۶۲۵فرعی از۱۳ اصلی باغات وحومه بخش ۵قوچان از محل مالکیت شهرداری شیروان

۲- برابرکلاسه ۲۸۹-۹۹ورأی شماره ۱۴۰۰۶۰۳۰۷۱۱۴۰۰۰۳۱۱ آقای مسعود درگاهی فرزند قلی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی دیمزار مساحت ۸۳۹۲۲ متر مربع قسمتی از پلاک۱۶۴ فرعی از۲۷ اصلی سنجددربخش۵قوچان ازمحل مالکیت حضرتقلی درگاهی

-۳ برابرکلاسه ۱۹-۱۴۰۰ورأی شماره۱۴۰۰۶۰۳۰۷۱۱۴۰۰۰۴۴۲ خانم معصومه مهین فرزند حسین درششدانگ یک قطعه زمین متصل به منزل به مساحت ۱۱۴/۲۷ مترمربع قسمتی ازپلاک ۳۳۲۵ فرعی از ۱۱اصلی مفروز ومجزی شده از۲۵۷فرعی واقع در بخش ۵قوچان ازمحل مالکیت مشاعی خودمتقاضی

به این وسیله به فروشندگان و مالکین مشاعی و اشخاص ذینفع در آرای اعلام شده ابلاغ می گردد چنانچه اعتراضی دارند باید از انتشار آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترضین باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهند. در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه ننماید اداره ثبت مبادرت به صدور سند خواهد نمود. ضمنا صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود. آ-۱۴۰۱۱۷۸

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۰۲/۲۰
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۰/۰۳/۰۴
اکبرآقیالی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شیروان

«آگهی فقدان سند مالکیت»

نظر به اینکه آقای جعفر رمضان‌زاده برابر وکالتنامه شماره ۲۰۳۱۲۸ مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۲۵ دفترخانه ۴۷ مشهد و وکالتنامه شماره ۶۶۲۹۳ مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۱۳ دفترخانه ۸۴ مشهد بوکالت از طرف خانم شهربانو سلمان باستناد ۲ برگ فرم استشهادیه منضم به فرم تعهد جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است سند مالکیت سه دانگ مشاع از ششدانگ عرصه و اعیان یک باب خانه به شماره پلاک ۶۳ فرعی از ۷۳۲ اصلی بخش چهار مشهد که متعلق به نامبرده میباشد به علت سهل‌انگاری مفقود گردیده است. با بررسی دفتر املاک، معلوم شد مالکیت نامبرده در ذیل شماره ثبت ۴۴۶۸ دفتر ۳۸ صفحه ۲۶۹ بنام خانم شهربانو سلمان ثبت و سند به شماره چاپی ۲۸۹۰۳۵ پ ۹۰ صادر گردیده است. دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد.....

لذا به استناد ماده ۱۲۰ اصلاحی قانون ثبت، مراتب یک نوبت آگهی و متذکر میگردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد، بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. م.الف ۱۴۰۱۸۲۶آ۶۸۳

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک مشهد مقدس- محمدجواد غلامی

آگهی

به تاریخ ۱۳۹۹/۷/۹ درخواست مریم گازرانی مبنی بر افراز پلاک ثبتی ۱ فرعی از ۵۰۵۳ اصلی بخش ۲ مشهد تحت نظر و رسیدگی می‌باشد. با توجه به محتویات پرونده و گزارش نماینده ثبت و اظهارنظر شهرداری منطقه شش مشهد برابرنامه ۸/۹۹/۱۰۵۹۳- ۱۳۹۹/۵/۱ که اعلام نموده: ((با توجه به نداشتن شرایط افراز هرگونه افراز سهم مشاعی جنابعالی مغایر با ضوابط و از نظر شهرداری مجاز نمی‌باشد)) لذا به شرح ذیل تصمیمات مقتضی اخذ گردید.

تصمیم رئیس ثبت در خصوص درخواست مریم گازرانی مبنی بر افراز پلاک ثبتی ۱ فرعی از ۵۰۵۳ اصلی بخش ۲ مشهد پس از رسیدگی و تطبیق درخواست با مقررات قانونی و مطابقت آن با وضعیت و سوابق ثبتی و عدم موافقت شهرداری لذا وفق ماده ۵ آئین‌نامه افراز و فروش املاک مشاع تصمیم بر رد درخواست افراز نامبرده صادر می‌گردد. لذا به استناد ماده دو قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب ۱۳۵۷/۰۸/۲۲ ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ مهلت دارید اعتراض خود را به دادگاه شهرستان ارائه نمایید. م.الف ۱۴۰۱۸۲۷آ۶۸۵

رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه یک مشهد- محمدجواد غلامی

آگهی

به تاریخ ۱۳۹۹/۷/۹ درخواست مریم گازرانی مبنی بر افراز پلاک ثبتی ۰ فرعی از ۵۰۵۲ اصلی بخش ۲ مشهد تحت نظر و رسیدگی می‌باشد. با توجه به محتویات پرونده و گزارش نماینده ثبت و اظهارنظر شهرداری منطقه شش مشهد برابرنامه ۸/۹۹/۱۰۵۹۳- ۱۳۹۹/۵/۱ که اعلام نموده: ((با توجه به نداشتن شرایط افراز هرگونه افراز سهم مشاعی جنابعالی مغایر با ضوابط و از نظر شهرداری مجاز نمی‌باشد)) لذا به شرح ذیل تصمیمات مقتضی اخذ گردید.

تصمیم رئیس ثبت

در خصوص درخواست مریم گازرانی مبنی بر افراز پلاک ثبتی ۰ فرعی از ۵۰۵۲ اصلی بخش ۲ مشهد پس از رسیدگی و تطبیق درخواست با مقررات قانونی و مطابقت آن با وضعیت و سوابق ثبتی و عدم موافقت شهرداری لذا وفق ماده ۵ آئین‌نامه افراز و فروش املاک مشاع تصمیم بر رد درخواست افراز نامبرده صادر می‌گردد. لذا به استناد ماده دو قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب ۱۳۵۷/۰۸/۲۲ ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ مهلت دارید اعتراض خود را به دادگاه شهرستان ارائه نمایید. م.الف ۱۴۰۱۸۲۸آ۶۸۶

رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه یک مشهد- محمدجواد غلامی

آگهی

به تاریخ ۱۳۹۹/۷/۹ درخواست مریم گازرانی مبنی بر افراز پلاک ثبتی ۰ فرعی از ۵۰۴۷ اصلی بخش ۲ مشهد تحت نظر و رسیدگی می‌باشد. با توجه به محتویات پرونده و گزارش نماینده ثبت و اظهارنظر شهرداری منطقه شش مشهد برابرنامه ۸/۹۹/۱۰۵۹۳- ۱۳۹۹/۵/۱ که اعلام نموده: «با توجه به نداشتن شرایط افراز هرگونه افراز سهم مشاعی جنابعالی مغایر با ضوابط و از نظر شهرداری مجاز نمی‌باشد)) لذا به شرح ذیل تصمیمات مقتضی اخذ گردید.

تصمیم رئیس ثبت

در خصوص درخواست مریم گازرانی مبنی بر افراز پلاک ثبتی ۰ فرعی از ۵۰۴۷ اصلی بخش ۲ مشهد پس از رسیدگی و تطبیق درخواست با مقررات قانونی و مطابقت آن با وضعیت و سوابق ثبتی و عدم موافقت شهرداری لذا وفق ماده ۵ آئین‌نامه افراز و فروش املاک مشاع تصمیم بر رد درخواست افراز نامبرده صادر می‌گردد. لذا به استناد ماده دو قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب ۱۳۵۷/۰۸/۲۲ ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ مهلت دارید اعتراض خود را به دادگاه شهرستان ارائه نمایید. م.الف ۱۴۰۱۸۲۹آ۶۸۷

رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه یک مشهد- محمدجواد غلامی

آگهی

به تاریخ ۱۳۹۹/۷/۹ درخواست مریم گازرانی مبنی بر افراز پلاک ثبتی ۴ فرعی از ۵۰۴۷ اصلی بخش ۲ مشهد تحت نظر و رسیدگی می‌باشد. با توجه به محتویات پرونده و گزارش نماینده ثبت و اظهارنظر شهرداری منطقه شش مشهد برابرنامه ۸/۹۹/۱۰۵۹۳- ۱۳۹۹/۵/۱ که اعلام نموده: ((با توجه به نداشتن شرایط افراز هرگونه افراز سهم مشاعی جنابعالی مغایر با ضوابط و از نظر شهرداری مجاز نمی‌باشد)) لذا به شرح ذیل تصمیمات مقتضی اخذ گردید.

تصمیم رئیس ثبت

در خصوص درخواست مریم گازرانی مبنی بر افراز پلاک ثبتی ۴ فرعی از ۵۰۴۷ اصلی بخش ۲ مشهد پس از رسیدگی و تطبیق درخواست با مقررات قانونی و مطابقت آن با وضعیت و سوابق ثبتی و عدم موافقت شهرداری لذا وفق ماده ۵ آئین‌نامه افراز و فروش املاک مشاع تصمیم بر رد درخواست افراز نامبرده صادر می‌گردد. لذا به استناد ماده دو قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب ۱۳۵۷/۰۸/۲۲ ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ مهلت دارید اعتراض خود را به دادگاه شهرستان ارائه نمایید. م.الف ۱۴۰۱۸۳۰آ۶۸۸

رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه یک مشهد- محمدجواد غلامی

رونوشت آگهی حصر وراثت

نظر به اینکه آقای رحمان وحدانی ارزمئی دارای شناسنامه شماره ۰۷۴۹۵۰۵۷۳۷ به شرح دادخواست به کلاسه ۰۰۰۰۰۶۸ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان فقیرمحمد وحدانی ارزمئی به شناسنامه ۰۷۴۸۴۷۷۳۹۱ در تاریخ ۱۳۶۲/۲/۴ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به:

۱- رعنا صوفی یوسف‌آبادی ۰۷۴۸۷۹۵۲۴۳ - ۱۳۰۶/۵/۲۰ تابیاد همسر
۲- زمان‌اله وحدانی ارزمئی ۰۷۴۸۴۷۵۹۸۳ - ۱۳۳۷/۱/۲ تابیاد فرزند
۳- سبحان وحدانی ارزمئی ۰۷۴۸۴۷۶۰۸۳ - ۱۳۴۸/۱/۱۰ تابیاد فرزند
۴- رحمان وحدانی ارزمئی ۰۷۴۹۵۰۵۷۳۷ - ۱۳۴۱/۳/۲ تابیاد فرزند
۵- زهرا وحدانی ارزمئی ۰۷۴۹۴۹۶۰۳۷ - ۱۳۳۸/۱/۷ تابیاد فرزند

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ ق امور حسبی یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد. آ۱۴۰۱۸۳۷

قاضی شورا- شعبه اول شورای حل اختلاف شهرستان تایباد- قنبر مرزانی

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبت تایباد

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیان که در هیئت موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در بخش ۱۴ مشهد واحد ثبتی شهرستان تایباد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آن محرز و رأی لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد:

آقای بشیرمحمد شیخ جامی به شناسنامه شماره ۵۶۲ کدملی ۰۷۴۹۸۷۱۶۰۱ صادره تایباد فرزند رحیم در ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۲۱۷/۲۰ مترمربع پلاک شماره ۹۷۷ و ۱۱۹۸ فرعی از ۲۷۶ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۱۴ مشهد حوزه ثبت ملک تایباد (مساحت ۱۴۳/۷۰ مترمربع از پلاک ۹۷۷ فرعی و مساحت ۷۳/۵۰ مترمربع از پلاک ۱۱۹۸ فرعی) از محل قسمتی از مالکیت رحیم شیخ جامی و قسمتی از پلاک** کلاسه ۲۳۵-۹۹

لذا بموجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه کثیرالانتشار منتشر تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترضین باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتیکه اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. آ-۱۴۰۱۸۳۸

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۳/۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۳/۲۰
رئیس ثبت اسناد و املاک تایباد- غلامرضا آقازاده

آگهی حصروراثت

اقای احمد گنابادی اقدام بطرح دعوی بطرفیت ورثه مرحوم حسن گنابادی بخواسته انحصاروراثت نموده وچنین اظهار داشته که آن مرحوم درمورخه ۱۴۰۰/۱/۹ دراقامتگاه دائمی خود فوت نموده وورثه حین الفوتش عبارتنداز

۱.معصومه گنابادی متولد ۱۳۴۰/۱/۲۰ ب ش ملی ۰۷۴۹۱۸۰۹۳۵
۲.احمدگنابادی متولد ۱۳۵۵/۵/۲۰ ب ش ملی ۰۷۴۹۱۸۵۸۹۹
۳.محمدگنابادی متولد ۱۳۵۳/۵/۱۰ ب ش ملی ۰۷۴۹۱۸۵۸۸۰
۴.زهراگنابادی متولد ۱۳۴۶/۱/۷ ب ش ملی ۰۷۴۹۱۸۳۱۴۴
۵.طاهره گنابادی متولد ۱۳۴۳/۱/۱۰ب ش ملی ۰۷۴۹۱۸۱۶۶۴
۶.خدیجه گنابادی متولد۱۳۴۱/۲/۵ ب ش ملی۰۷۴۹۶۷۰۵۱۷ فرزندان متوفی میباشند وبجزاینهاوارثی ندارد لذا

مراتب فوق طی یک نوبت دریکی ازروزنامه های کثیرالانتشار درج اگهی شده تاهرکس نسبت به ان مرحوم ادعایی و یا وصیت نامه ای دارد ظرف مدت یک ماه پس از نشراگهی ب شورای حل اختلاف مراجعه وگرنه گواهی برابر مقررات قانونی وامور حسبی صادر خواهدشد.آ۱۴۰۱۸۱۸

دبیرخ دوشورای حل اختلاف باخرز

آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۱۸۰۱۸۰۰۴۵۵مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۲۰هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک سنگر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی فریدون جمالی کنک لاهیجانی فرزند محمد حسین به شماره ملی ۶۵۳۹۷۰۹۳۱۵ در ششدانگ یک باب خانه و محوطه و اعیان به مساحت ۴۳۳۷/۴۸ متر مربع مجزی شده از ۴ فرعی از سنگ ۳ اصلی واقع در قریه رودبرده بخش ۱۲ گیلان که برای آن شماره ۲۸۶۲ فرعی در نظر گرفته شده خریداری از مالک رسمی (زارع: محمد حسین جمالی کنک لاهیجانی –شماره زارعانه ۴۲۰-۵۰/۱۱/۱۶) محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آ